پايدارى محيط زيست از ديدگاه اسلام

باسم پورسعيد

چكيده

با افزايش توان فن آوريها در بهره بردارى از منابع طبيعى، تعادل زيست محيطى، در دو قرن حاضر به زيان طبيعت بر هم خورده كه پديده اى اسفبار و گاه جبران ناپذير بوده و در ربع قرن اخير از مرز جامعه گذشته است.

امروزه، جامعه بين الملل راه حل اين معضل را محافظت از محيط زيست مى داند و در اين راه، مايل است از دين كمك بگيرد. اين مقاله، مى كوشد تا شاخصهاى پايدارى محيط زيست را از ديدگاه دين بررسى كند. براى اين منظور، ديدگاه، متخصصان و كارشناسان به طور عميق بررسى شد و نتايج نشان داد كه هر آنچه تاكنون تحت عنوان پايدارى محيط زيست انجام گرفته، چيزى بيش از فعاليتهاى فنى براى نگهدارى از محيط زيست نبوده است. در حالى كه ارزشهاى بنيادى دينى، به دليل برخوردارى از پشتوانه اخلاقى نقش اساسى ترى در پايدارى محيط زيست ايفا مى كنند. گامهاى پيشنهادى براى رسيدن به اين هدف عبارت اند از: رعايت تعادل در سياست گذاريها، بها دادن به انسان، تأكيد بر آگاه سازى افراد و تجديد نظر عميق در تعهدات و مسئوليت پذيرى مشترك.

مقدمه

در جنگ انسان با طبيعت كه از انقلاب صنعتى شروع شد، انسان در يكه تازى پيروزمندانه خود در صحنه هاى نبرد، از حربه هاى كارآمدى بهره گرفت. نمونه آن استفاده از توليدات شيميايى جنگى است كه طبيعت را ديوانهوار از بين مى برد. در اين گونه جنگها، تير خلاص به يكباره زده نمى شود; بلكه طبيعت، به صورت تدريجى از پا در مى آيد.[1]

حضور سران و مقامات بلند پايه 181 كشور جهان در بزرگ ترين گردهمايى سازمان ملل متحد با نام كنفرانس محيط زيست و توسعه، معروف به كنفرانس سران زمين (ريودو ژانيرو) در سال 1992 م بيانگر عمق فاجعه تخريب محيط زيست است; فاجعه اى كه چهره مصيبت بارش هر روز بيشتر آشكار مى شود و ابعاد دلهره آن، جهان را در بر مى گيرد.

متفكرين و محققان علوم زيست محيطى، با همكارى سياستمداران و اقتصاددانان راهى را پيش پاى جامعه جهانى قرار داده اند كه امروزه از آن با نام توسعه پايدار ياد مى شود و از جانب سازمان ملل به عنوان راهبرد مطلوب نجات طبيعت به شمار مى آيد;[2] راهبردى كه در كنفرانس سران زمين به عنوان الگوى جهانى مطرح شد. براى ترسيم گرايش جامعه بين الملل به سمت دين، به منظور پايدارى و حفاظت منابع طبيعى و محيط زيست، به پژوهش سه ساله يك هزار دانشمند، درباره ارتباط دين و زيست بوم كه در مركز اديان جهان در دانشگاه هاروارد امريكا انجام گرفته، مى توان اشاره نمود. در اين پژوهش آمده است كه اديان بايد از نيروى خود براى پايان دادن به بهره بردارى لجام گسيخته انسان از منابع طبيعى و ايجاد روحيه مسئوليت پذيرى مشترك براى حفاظت محيط زيست استفاده كنند.[3]

جان.ر. ايورث، استاد دانشگاه كلمبيا، درباره مذهب چنين مى گويد: «هيچ فرهنگ و تمدنى را در نزد قومى نمى توان يافت مگر آن كه در آن فرهنگ و تمدن شكلى از مذهب وجود داشته باشد.»

رودلف باهرو (Rudelf Bahro) نظريه پرداز با نفوذ نهضت سبز نيز همه موجودات را بارقه اى از رحمت خدا مى داند. وى رستگارى بومى را مسئله اى مذهبى تلقى نموده، از رحمت خدا مى داند و معتقد است كه بشر نيازمند معنويت و روحانيت و تولد عصر طلايى جديدى است كه اصالت را در انسان پرورش دهد.

ضرورت گرايش دينى با پايدارى و حفاظت منابع طبيعى را مادر (Mother) نيز يادآور شده است. وى به اين مسئله استدلال مى كند كه حفاظت از منابع در فلسفه و مذهب ريشه دارد.[4]

در تأكيد بر گرايش به دين، دكتر تاپفر مدير اجرايى محيط زيست سازمان ملل نيز در گفت وگو با روزنامه همشهرى در نيويورك بيان مى دارد كه «ما مى خواهيم در زمينه مسائل زيست محيطى با جهان اسلام يك همكارى مناسب و نزديك داشته باشيم».

ايشان در ادامه مى افزايد: «اعتقاد راسخ دارم كه ارزشهاى معنوى جهان اسلام بستر مناسبى جهت اجراى برنامه هاى لازم جهت حفظ آفريده هاى خدا و تنوع زيست محيطى است».[5]

ديدگاه دين اسلام درباره توسعه پايدار، شايان تحقيق است كه دو عامل زير، اهميت اين تحقيق را دو چندان مى كند:

نخست اينكه جريانى موسوم به بيدارى اسلامى معتقد است كه اسلام بايد به سبب معتبر دانستن دين و دنيا، اساس و روش پيشرفت جامعه در كليه مسائل اقتصادى، اجتماعى، فرهنگى، و سياسى قرار گيرد.

دوم آنكه در بين دانشمندان، به تازگى برخى الگوهاى غربى براى توسعه پايدار مطرح شده است كه به شدت به دنبال تحكيم ماهيت غربى به گونه اى است كه تمدن اسلام آن را پيش تر به عينيت درآورده است.

مطالعه تطبيقى، در واقع روشى است كه به مدد آن، اختلافات و تشابهات دو يا چند ديدگاه درباره پديده اى از طريق مقايسه بيان مى شود.

به ديگر بيان، مطالعه تطبيقى به منظور دريافت وجوه شباهت يا اختلاف بين دو ديدگاه، امرى مفيد و ضرورى است. با مطالعه تطبيقى، فهم و درك، صيقل مى خورد و ارتباطى با فرهنگها، زمانها و مكانهاى مختلف حاصل مى شود و طى آن محقق مى تواند ضمن آشنايى با ايده هاى مختلف و متغيرهاى متعدد، ديدگاهش را بهتر و دقيق تر تبيين نمايد.[6]

در اين مطالعه، موضوع پايدارى محيط زيست از دو ديدگاه پراگماتيسم و دين مطابقت داده مى شوند كه اين كار به شكل گفتمان صورت گرفته است.

گفتمان در واقع نوعى رابطه خاص بين دوگانگيهاى به ظاهر متضاد يا متناقض موجود در بين پديده ها به گونه اى است كه اين وجوه متقابل و متضاد بتوانند همديگر را در ايجاد سنتزى متعالى تر، تكميل و جبران نمايند.

دليل استفاده از گفتمان، دسترسى به فهم كامل تر از پايدارى است; چرا كه بررسى دو ديدگاه، به طور جداگانه مؤثر نيست و دسترسى به يك سنتز كه حاصل هر گفتمان است، ميسّر نخواهد بود.[7]

به كمك روش هاى فوق، ابتدا شاخصها معين شد و سپس دو ديدگاه مذكور، به كمك آنها به شكل گفتمان تطبيق داده شد.

مفاهيم پايدارى

مفهوم توسعه پايدار از سال 1987 م پس از طرح آن در مجمع عمومى سازمان ملل، مورد پذيرش اكثر كشورهاى عضو قرار گرفت.[8]

يكى از پژوهشگران در تبيين تعريفى كه سازمان خوار و بار جهانى (FAO) درباره توسعه پايدار معرفى كرده، مى نويسد:

«توسعه پايدار به معناى مديريت و حفاظت منابع پايه و جهت دادن به مقولات فن آورى و نهادى به نحوى است كه نيازهاى انسانى براى نسلهاى كنونى و آينده بشريت به صورت مستقر و پايدار تأمين شود.»[9]

پژوهشگرى ديگر توسعه پايدار را اين چنين تبيين مى كند: «توسعه پايدار از نظر زيست محيطى، غير مخرب، از نظر اقتصادى، پويا و از نظر اجتماعى، قابل پذيرش است.»[10]

سلمان زاده، كشاورزى پايدار را نظامى مى داند كه از لحاظ محيط زيست بى خطر، از نظر اقتصادى كارآمد و از ديدگاه انسانى و اخلاقى شايسته جامعه بشرى است.[11]

فلسفه توسعه پايدار مبتنى بر اهداف انسانى و درك تأثير دراز مدت فعاليتهاى كشاورزى بر محيط زيست است. بر اين اساس، نظامهاى كشاورزى عدالت جو و حافظ منابع طبيعى ايجاد شد. چنين نظامهايى، آلودگى محيط زيست را كاهش مى دهند، توانايى اقتصادى را در كوتاه مدت بهبود مى بخشند و در نهايت پايدارى جوامع روستايى و كيفيت زندگى آنان را حفظ مى كنند.

اصول پايدارى

قرن بيستم را در حالى پشت سر نهاديم كه برخى اصول و پندارهاى علمى مطرح شده از اوايل تا نيمه قرن حاضر كه شايد در زمره محكمات به شمار مى آمد، متزلزل و با شك و ترديد به آن نگريسته شد.

يكى از مصاديق بارز اين تشكيك، مصرف بى رويه كود و سموم شيميايى در كشاورزى است كه تقريباً در كليه كشورهاى جهان، تخريب زيست بومها را به همراه داشته است، در حالى كه تا دهه 70 ميلادى براى مصرف هر چه بيشتر آن، يارانه پرداخت مى شد، ولى اينك براى كاهش مصرف آن جايزه و يارانه پرداخت مى شود.

با تغيير پندارهاى علمى درباره پايدارى، اصولى براى پايدارى مطرح شد كه براساس ديدگاههاى صاحب نظران، اصول مشترك زير را مى توان از آنها به دست آورد:

درك ارزش محيط زيست: سرمايه هاى محيط زيست بايد به عنوان يك ثروت در نظر گرفته شوند و ارزش آنها به همراه ارزش سرمايه هاى انسانى مورد توجه قرار گيرد.

تداوم پايدارى محيط زيست: بهره بردارى از منابع و حفظ و بقاى محيط زيست از مهم ترين اصول توسعه پايدار است كه بايد تضمين شود.

تعادل: توسعه پايدار از سه بعد زمانى، مكانى و اجتماعى بايد مورد توجه قرار گيرد. در توسعه پايدار برنامه هايى بايد مورد پذيرش قرار گيرند كه از نظر زمانى براى نسلهاى كنونى و آينده بشر، از نظر مكانى براى مناطق با امكانات طبيعى و مناطق فاقد امكانات طبيعى و از نظر اجتماعى براى كليه گروههاى اجتماعى، متعادل باشد.

برابرى بين نسلى و درون نسلى: توسعه پايدار به اين بستگى دارد كه همگان از امكانات توسعه پايدار بهره مند شوند و نسل آينده پرداخت كننده هزينه زندگى نسل فعلى نباشد، نسل آتى با نسل حاضر در استفاده از منابع با هم برابر باشند و توسعه يك فرد، جامعه يا نسل نبايد باعث محدود شدن امكانات افراد، جامعه يا نسلهاى ديگر شود.

كارايى اقتصادى: به اين معنا كه در برابر هر نهاده، ميزان ستانده متناسب و قابل قبولى از نظر اقتصادى به وجود آيد.

براساس تعاريف و اصول فوق، پايدارى از ديدگاه دين در چارچوب شاخصهاى زير مورد تجزيه و تحليل قرار مى گيرد:

ـ اهداف;

ـ بهرهورى و بهره بردارى;

ـ تعادل;

ـ عدالت و برابرى;

ـ انسان;

ـ مسئوليت;

ـ آگاهى.

اسلام براى بهره گيران از مواهب حيات، قيد و شرط فراوانى قرار داده است و در مشروعيت تحصيل و چگونگى مصرف آنها نظارت دقيق مى نمايد. اسلام هم بر نحوه درآمد افراد و هم بر چگونگى مصرف آن نظارت دارد و براى هر دو، شرايطى قائل شده است.[12]

اين نظارتها عبارت است از: ادب در به كار بردن منابع; ورع در به دست آوردن منابع; مصرف كردن صحيح منابع.

به طور كلى، در دين اسلام، تصرف و استفاده از طبيعت براساس سه هدف فوق است.

همچنين از ديدگاه صاحب نظران اسلامى، اگر محيط زيست بر محور هوا و هوس مردم قرار گيرد، فساد سراسر آن را فرا خواهد گرفت. از آنجا كه هوا و هوس مردم محدوديت ندارد، اگر قوانين هستى تابع اين تمايلات انحرافى قرار گيرد، هرج و مرج سراسر هستى را فرا مى گيرد.

ابعاد مختلف بحران محيط زيست كه امروزه افكار جهانى را تحت تأثير قرار داده، حاصل عصيان گرى بشر در برابر نظام آراسته و صالح جارى در عرصه محيط زيست است. اين گونه اقدامات فسادانگيز چه از ناحيه فرد باشد، چه از ناحيه حكومت، در تضاد با خواست خداوند است; چرا كه خداوند فساد را دوست ندارد و هرگز در مشيت ازلى نيست كه انسانها فساد كنند.[13]منظور از فساد در روى زمين هر گونه نابسامانى و ويرانگرى و انحراف است.[14]

به عبارت ديگر، فساد به هر گونه تخريب و ويرانگرى گفته مى شود كه نظام آراسته و صالح جارى را بر هم زند.[15] از اين رو توسعه پايدار به معناى بهره بردارى از محيط زيست است كه با تضمين بقاى زمين همراه مى باشد.

موضوع مهم اين است كه توسعه پايدار بايد در حالى كه به حرمت طبيعت و توانايى اقتصادى منابع آن توجه مى كند، در راه برقرارى عدالت اجتماعى گام بردارد. از لحاظ اخلاقى نيز، براى دست يابى به توسعه پايدار، لازم است كه سطح زندگى گروههاى كم درآمد و مستضعف جامعه بهبود يابد و در عين حال، سرمايه نسلهاى آينده، دچار صدمه و زيان جدى نشود. بديهى است كه اين موضوع امرى خطير بوده كه به يك تعهد اخلاقى قوى نياز دارد.

شاخص بهرهورى و بهره بردارى

نحوه بهره بردارى از منابع طبيعى و محيط زيست، به اراده انسان بستگى دارد. او ممكن است در مسير خوشبختى و نيكى يا در مسير فساد از آنها بهره بردارى نمايد. بدون ترديد ريخت و پاش، اسراف و تبذير بدترين رفتار انسان معاصر به شمار مى آيد.

امروزه معلوم شده است كه منابع زيست محيطى موجود در زمين با توجه به جمعيت جهان محدود است و هرگونه اسراف در مصرف آنها مى تواند محدوديت انسانهاى ديگر را به همراه داشته باشد.

بهرهورى نيز يكى از سنن الهى در دين اسلام است.[16] از ديدگاه دينى درباره بهرهورى يك سلسله اصول كلى وجود دارد كه مى تواند بر نيازهاى متغير منطبق شود و پاسخگوى آنها باشد. يكى از اين اصول، قانون لاضرر است كه به وسيله آن مى توان هر حكمى را كه باعث ضرر و زيان باشد محدود ساخت و بسيارى از نيازها را از اين راه، محدود نمود.

امروزه، بيشتر از واژه بهرهورى سبز كه بيانگر آلودگى كم به همراه صرفه جويى است، استفاده مى شود كه در اديان گوناگون به آن سفارش شده است.

بررسيهاى به عمل آمده از ديدگاه دينى، نشان مى دهد كه اسراف و تبذير از مذموم ترين اعمال به شمار مى روند و هرگونه رفتار اسراف گونه درباره محيط زيست، نوعى رفتار ناهنجار زيست محيطى به حساب مى آيد كه با اصول ارزشى دين در تضاد است و بايد از آن پرهيز نمود. مبانى نگهدارى از محيط زيست از ديدگاه دين، هيچ گونه تباينى با بهرهورى اصولى از طبيعت ندارد، بلكه با نحوه بهره بردارى از آن مرتبط است.

ديدگاه دينى، پايه پايدارى را بر استفاده مشروع قرار مى دهد. اين ديدگاه به مجموعه شرايط، مقررات و حدودى كه خداوند درباره بهرهورى و بهره بردارى از منابع طبيعى ]خداوندى [تعيين نموده است، توجه كامل دارد.

شاخص تعادل

شرايط كنونى، خواهان آن است كه همزمان، در چند جبهه به تغييرات مهمى دست زد تا بتوان تعادلى براى نگهداشتِ قابليت سكونت كره زمين برقرار كرد.

رسيدن به منظور فوق، در گرو توسعه كيفى محيط زيست است و چنان توسعه اى، محتاج نگرش جامع به توسعه بخشهاى مختلف خدماتى و توليدى، متناسب با امكانات بالفعل محيط زيست است.

عدم كنترل رشد جمعيت مى تواند باعث تولد و بلوغ و حركت انسانهايى شود كه هيچ گاه فرصت تعادل را پيدا نمى كنند و وجود انسان منحصر به نمودى از خصلتهاى حيوانى و غريزى مى شود.[17]

دين با مقررات اخلاقى و تعاليم خود، غرايز انسان را تعديل و او را به عزت نفس و مناعت طبع و نيكوكارى و پرهيزگارى دعوت مى كند و در اين راه، به سخنرانيهاى بى روح بسنده نمى كند; بلكه از طريق تعيين پاداشهاى بزرگ و كيفرهاى سخت، از حرص و آزهاى نامشروع و آزاردهنده مى كاهد.

از سوى ديگر، در دين اسلام قانون لاضرر (لاضرر و لا ضرار فى الاسلام) وجود دارد كه بر طبق آن ضرر و زيان زدن به شخص يا اشخاص ديگر به هيچ وجه روا نيست و پيامبر اسلام ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ به شدت آن را نهى فرموده است.[18] امروزه آلودگى محيط زيست مصداق بارز ضرر وارد نمودن به سلامت افراد جامعه به شمار مى آيد.

به طور خلاصه، محيط زيست براى موجود زنده، حاصل مجموعه اى از تعادلهاست كه بر هم خوردن هر كدام ضمانت دوام زندگى را تضعيف مى كند. بايد باور داشت كه در خلقت هر كدام از موجودات زنده حكمتى وجود دارد و ناپديد شدن هرگونه گياهى يا حيوانى بر آسيب پذيرى ساير گونه ها در بلندمدت اثر مى گذارد.

شاخص عدالت و برابرى

آيا عادلانه است كسانى كه امروزه زندگى مى كنند منابع و فرصتهاى اقتصادى را تصاحب كنند و با كسب منافع آنها، مخارج آنها را به نسلهاى بعدى واگذار كنند؟ هر شخصى امانتدار منابعى است كه نسلهاى آينده بشر بدان نياز دارد و نه تنها در برابر كسانى كه در حال حاضر در پناه آنها زندگى مى كنند، بلكه در برابر همه بشريت و براى هميشه متعهد است.

از ديدگاه دين اسلام انسان بايد در بهره بردارى از منابع، نه تنها به حقوق افراد جامعه توجه داشته باشد (عدالت درون نسلها) بلكه به حقوق نسلهاى آينده كه چنين منابعى ضامن حيات و بقاى آنها مى باشد، نيز توجه كامل مبذول دارد (عدالت بين نسلها).

اصل عدالت در دين اسلام اصلى اساسى براى ايمان قلمداد شده است. عدالت و بى عدالتى مطابق نص قرآن ميزان اصلى در قضاوت اعمال بد و خوب آدمى است. در اين ديدگاه، هيچ فرد يا گروهى در هيچ سطحى اجازه ندارد به طريقى از منابع بهره بردارى نمايد كه رفاه ديگران را به خطر اندازد; نظام محيط زيست را نابود كند و از اصول و معيار برابرى تخطى نمايد و آسايش زيستى انسانها را بر هم زند.

شاخص انسان

پژوهشگران جهانى براساس تحقيقات خود معتقدند كه ادامه تخريب و تهديد زيست محيطى كه به دست انسان صورت مى گيرد، دير يا زود مرگ كره زمين و موجودات آن از جمله انسان را به دنبال دارد.

اگر آدمى هيچ گونه معناى ژرف و شايسته احترام را در طبيعت مشاهده نكند و آن را از حالت قدسى خالى ببيند، چنان از آن بهره بردارى مى كند كه به نابودى آن بينجامد. بحران زيست محيطى كنونى كه به حق، افكار عمومى را سخت مضطرب ساخته، نتيجه اى روشن از اين طرز برخورد انسان فنى است.

تمامى مسائل فوق ناشى از ناديده گرفتن خود انسان است. انسان نياز دارد كه بر ويژگيهاى اخلاقى و معنوى تأكيد ورزد. شناخت انسان يك اصل فلسفى ـ مذهبى است كه شروع هرگونه تغيير و تحولى را از انسان مى داند و بر اين باور است كه براى تغيير او بايد او را شناخت. از ديدگاه دين، انسان به عنوان يك مجموعه پيچيده به درك عميق نياز دارد; زيرا داراى نظريات، عقايد و ارزشها مى باشد. از اين ديدگاه، انسان در مركز توجه قرار دارد.[19]

اين نظريه به ما مى فهماند كه فطرت انسانها بايد كانون توجه تلقى شود و حتى اگر او خود از اين فطرت غفلت ورزد، بايد او را متوجه آن نمود. در حالى كه در ديدگاه پراگماتيسم، خود انسان مورد توجه قرار نمى گيرد; بلكه او را براساس پيروزيهايش ارزيابى مى كنند.

در دنياى معاصر، ماده گرايى و منفعت پرستى افراطى، براى انسانها مجالى نگذاشته است تا فرهنگ و تمدن حقيقى و معرفتى كه مى تواند هدف زندگى انسانها را شايسته فهم و پذيرش سازد، درك نمايند.

اين را بايد پذيرفت كه آن مردمى كه از شرابِ منفعت و لذت خودخواهى سرمست مى شوند، فرهنگ، معنويت، اخلاق و حتى مذهب و انسانيت و همه عناصر سازنده انسان را خواب و خيال تفسير و تعبير نشدنى تلقى مى كنند كه سرانجام آن، از بين بردن هر آنچه كه در اطراف اوست خواهد بود.

شاخص مسئوليت

در زندگى روزانه، عوامل و حوادث بسيارى موجب عكس العمل در ما مى شوند كه با تلاش فعالانه ذهنى يا عملى ما همراه است. اين حوادث و عوامل را مى توان به سه دسته تقسيم كرد.

نخست، عوامل و حوادثى كه سلامت و تعادل جسمانى ما را به خطر مى اندازند. ما نسبت به هر عاملى كه اين تعادل را بر هم زند حساس هستيم و براى دفع آن و صيانت نفس احساس مسئوليت جدى مى نماييم. اين نوع احساس مسئوليت داراى ريشه فطرى است.

دوم، عوامل و حوادثى كه سلامت و تعادل عاطفى ما را بر هم مى زند. ما اشياء بسيارى را دوست مى داريم يا به آنها عشق مىورزيم و نسبت به بسيارى ديگر كينه و نفرت داريم. از اين رو، اگر به هر يك از افراد يا عناصرى كه دوستشان داريم، گزندى برسد، آرامش ما بر هم مى خورد و به ناراحتى و اضطراب دچار مى شويم، به طورى كه نمى توانيم بى توجه باشيم.

از اين رو در انديشه طرح اقدامى براى رفع خطر از محبوب خود بر مى آييم و تنها وقتى به آرامش مى رسيم كه به وظيفه خود نسبت به وى عمل كرده و آنچه از دستمان براى كمك به او بر مى آيد، انجام داده باشيم.

سوم، حوادث و عواملى كه متضاد با نظام ارزشى و عقايد ما هستند. اين عوامل باعث برانگيختن حس مسئوليت و اقدام عملى براى رفع آنها مى شوند. معيار و مبناى قضاوت درباره آنچه در محيط رخ مى دهد و راهنماى ما در انتخاب يا رد و انكار امرى محسوب مى شوند، همان عقايد و جهان بينى ماست. در واقع هيچ شخصى بدون يك چنين موازين و معيارهايى نمى تواند موقع و موضع استقرار و پايدارى در زندگى فردى و اجتماعى انتخاب كند.

در اين كه موارد اول و دوم به نوعى مى توانند در حفظ محيط زيست مؤثر شوند، شكى نيست. آرى مى توان جامعه اى را تصور نمود كه افراد آن براى جلوگيرى از اثرات زيانبار آلودگى بر سلامت جسمانى خود، با آلوده كردن محيط زيست مخالفت كنند يا جامعه اى كه افراد آن به دليل احساسات عاطفى و علاقه اى كه به پرندگان دارند، با قتل عام آنها مخالفت نمايند.

اما از ديدگاه دينى زمانى در افراد احساس مسئوليت ايجاد مى شود كه علاوه بر به خطر افتادن سلامت جسمانى و عاطفى، نظام ارزشى و عقايد آنها نيز به خطر افتد. در اين حالت تنها قدرت ايمان كه شالوده آن توجه به خدا و مقررات دينى است بهترين ناظر است كه مى تواند ضمانت اجرا را بر عهده افراد بگذارد.

ميزان تأثيرى كه ايمان به خدا در ريشه كن ساختن عوامل مخرب زيست محيطى و هدايت افراد به راه صلاح و نيكى دارد، از مقررات و توجيهات فنى ساخته نيست. آنچه بشر انجام مى دهد، از اعتقادات او سرچشمه مى گيرد. اعتقادات نزد مردم از قوانين حكومتى نيرومندترند و پايبندى افراد به اعتقادات، بيشتر از پايبندى آنها به قوانين است.

از طرف ديگر، نسلها به صورت زنجيرهوار با هم ارتباط دارند و اين موجب پيدايش تعهداتى شده كه هر نسل براى حفظ سرمايه نسل بعد ملزم به اجراى آن تعهدات است.

نسل امروز بايد اين ايده را در ذهن بپروراند كه نسلهاى آينده نسبت به اعمال، رفتار و فعاليتهاى نابخردانه ما آسيب پذيرند.

بنابراين، نسل امروز، ملزم به فراهم سازى زمينه مساعد براى استقرار نظام پويا و كارآمد بوده تا نسل آينده كه فرزندان نسل امروزند از مواهب طبيعى بهره مند گرديده، بر تداوم اين كار به نسلهاى بعد صحه گذارند. بدين صورت تعهدات و مسئوليتهاى اخلاقى زنجيرهواراز زمان حال تا آينده دور ادامه مى يابند.[20]

حكومتهاى بشرى كه خواهان حكومت منهاى دين و ايمان هستند، فقط از يك سلسله تعديها و خلافكاريهاى آشكار مى توانند جلوگيرى كنند; ولى هرگز از تعديهاى پنهان كه از ديد دستگاههاى انتظامى به دور است، نمى توانند جلوگيرى نمايند. درباره چنين خلافها و قانون شكنيها، جز ايمان، وحى، مسئوليت و ترس از كيفرهاى الهى چيز ديگرى مؤثر نيست و نمى تواند باشد.[21]

شاخص آگاهى

ناآگاهى، آگاهى كم و پايين بودن سطح فرهنگ عمومى افراد از جمله عوامل تخريب محيط زيست به شمار مى آيند[22] كه ناشى از پيچيده بودن سفارشهاى فنى ارائه شده است و مى تواند زمينه سوء استفاده عده اى را در تجاوز به منابع و سرمايه هاى ملى فراهم آورد. گاهى اين روند نامطلوب، طورى براى مردم غفلت آور است كه ديگر مشاهده و تخريب و نابودى محيط زيست، منابع و سرمايه هاى ملى يا حتى شنيدن اخبار در اين باره براى آنها چندش آور مى شود و چندان مهم جلوه نمى كند و به راحتى از كنار آن مى گذرند و گاه فضاى جامعه به گونه اى شكل مى گيرد كه افرادِ متجاوز، سرفرازند نه سرفرود.

افراد زمانى از انگيزه كافى براى حفظ و حراست از محيط زيست و دستيابى به زندگى پايدار برخوردار خواهند شد كه دستيابى آنها به اطلاعات مطلوب و بهينه شده زيست محيطى آسان باشد.[23]

درك مسائل ياد شده براى اذهانى كه تحت تأثير ديدگاههاى فنى هستند به دليل پيچيده بودن آنها، آسان نيست، در حالى كه توصيه هاى دينى به نوعى به عنوان آگاهى هويت فردى مطرح است تا هويت اجتماعى و اين تك تك افراد هستند كه براى تحقق پايدارى بايد تلاش نمايند.

بحث و نتيجه گيرى

طى دو قرن اخير، با اوج گيرى توانايى فن آوريها، تعادل زيست محيطى به زيان طبيعت بر هم خورد. لطمات وارد بر طبيعت در اين دوران اسف بار و گاه جبران ناپذير شد و در ربع آخر قرن بيستم، از مرز فاجعه گذشت.

توسعه روزافزون بشر نبايد مخلّ انسجام طبيعى و موجب نابودى ديگر موجودات زنده شود، همچنان كه در بيانيه مشترك wwFLUCN، UNEP كه در كتاب for the Earthcaring (ظرفيت زمين يا مراقبت از زمين) انتشار يافته، آمده است:

«مردم در بسيارى از جوامع بايد طرز نگرش خويش نسبت به طبيعت را دگرگون كنند; زيرا كه طبيعت بيش از اين نمى تواند نيازهاى آنها را تأمين و اثرات آنان را تاب آورد.»[24]

با توجه به روندى كه هم اكنون وجود دارد، آينده منابع طبيعى بس مبهم و نابسامان به نظر مى رسد; زيرا سرعت تخريب اين منابع با سرعت اقداماتى كه به منظور احيا و حفظ آنها انجام مى شود مقايسه پذير نيست. بديهى است اگر اقداماتى اساسى براى اصلاح روند فعلى استفاده از منابع و محيط زيست به وجود نيايد در آينده نزديك دچار مشكلات جدى در اين باره شده و در نهايت به توسعه پايدار كه هدف غايى است، دسترسى پيدا نخواهيم كرد.[25]

همان گونه كه نويسندگانى چون بيلمز (Bilmes) و باى فورد (Byford) اشاره كرده اند، سبزهاى روحانى، زنگارهاى محيط زيست را تنبيهى براى مصرف گرايى بيش از حد و اسراف و از بين رفتن معنويت تلقى مى كنند. سيمونز (simmons) به نحوى ماهرانه ديدگاههاى گوناگون را كه با مبانى اخلاقى ارتباط مى يابد، گرد آورده است. وى با عنايت وافر بر تحقيقات بلاك (Black)، بولدينگ (Boldaing)، توين بى (Toynbee) و براون (Bruhn) چنين نتيجه گيرى مى كند كه نياز است تا آن اخلاق كارآمدى را كه سرمايه دارى پروتستان در قرون نوزدهم ميلادى نهال آن را كاشت و به طور يكسان در كشورهاى سرمايه دارى و سوسياليستى ثمر داد، مورد ارزيابى مجدد قرار دهيم.[26]

اكثر متفكران و فيلسوفان انسان شناس غربى و شرقى معاصر، اين حقيقت را پذيرفته اند كه وضع بسيار وخيم كره زمين ما اگر معلول چند علت باشد، قطعاً يكى از اساسى ترين آنها تفكيك جدى ميان علوم و معنويات، ارزشها و فرهنگ والاى آنهاست كه در روزگارى نه چندان دور، به وسيله بعضى از سطحى نگران با وجد و شعف فراوان براى جوامع بشرى مطرح شد.

بحران محيط زيست كه در حال حاضر گريبانگير اكثر كشورهاست، از بحران روحى و اخلاقى سرچشمه گرفته است. دين اسلام از طبيعت و جهان محيط بر انسان و خود انسان، تعريف مخصوص به خود دارد كه مى تواند از طريق اصلاح اخلاقى و تربيتى بشر راهگشاى حل معضلات زيست محيطى امروز باشد.

حاصل آنكه، آنچه تاكنون تحت عنوان پايدارى محيط زيست انجام گرفته، چيزى بيش از فعاليتهاى فنى در استفاده از منابع نبوده و دراين باره، به اصول دينى توجهى نشده است. اين عدم توجه باعث اشكالات فراوانى شده كه در نهايت به تخريب منابع انجاميده است.

تبيين اصول اساسى براى بهرهورى، نظير قانون لاضرر، تعديل غرايز انسان به نحو صحيح از طريق تعيين پاداشهاى بزرگ و كيفرهاى سخت، رعايت عدالت درون نسلى و بين نسلها، توجه به خود انسان و ايجاد مسئوليت در او نسبت به اعتقادات و ارزشها از جمله نقاط قوت ديدگاه دينى در استفاده از منابع موجود در طبيعت است.

سخن اين است كه زبان جديدى در حال تولد است كه ظرفيتها، ضرورتها و راهكارهاى خود را داراست. اين زبان جديد و راهكار نو بايد در فلسفه و مذهب ريشه داشته باشد و در آن بر شناخت انسانها تأكيد شود; چرا كه هرگونه تغيير و تحول از انسانها شروع مى شود و بالطبع انسانها پايدارى را به وجود مى آورند و پايه هاى آن را مستحكم مى كنند; از اين رو ديدگاه جديد در پايدارى بايد علاوه بر عوامل فنى، متوجه انسان باشد كه خواه ناخواه وجهه اى فلسفى را در بر مى گيرد.[27]

منظور از مطالب فوق آن نيست كه به عقب برگرديم; بلكه هشدار مى دهيم كه مبادا وسيله را جايگزين هدف كنيم. اقتصاد، فيزيك و فن آورى براى زندگى لازم است; اما ما براى آنها زندگى نمى كنيم.

راه حل بحران محيط زيست در گرايش دينى است; به دليل اينكه دين بهترين راه حل را ارائه مى دهد. به بيان ديگر، آنچه مورد نياز است يك بافت دينى است كه در آن مفهوم رابطه انسان با طبيعت و تسلط او را بر فرآيند استفاده از منابع طبيعى مجدداً تعريف نمايد. بدين معنا كه انسان مانند باغبان، چنان هشيارانه عمل كند كه به جاى تباه ساختن كيفيت محيط زندگى خود آن را غنى و سرشار سازد.

كوتاه سخن اينكه دعوت مردم به حفظ محيط زيست بدون استمداد از يك پشتوانه دينى، بى اثر و كم اثر خواهد بود و به همين دليل بايد كوشش نمود تا عوامل مخرب زيست محيطى در پرتو ايمان و تقوى رفع شوند.

با توجه به توضيحات فوق به نظر مى رسد اگر توصيه هاى پايدارى و حفاظتى بر اصول دينى بنا شوند، از ضمانت اجرايى مستحكمى برخوردار خواهند بود و شك نيست كه در آينده نه چندان دور، علم محافظت از محيط زيست نيز همانند ساير علوم به ظرايف و اسرار نهفته بيشترى كه در توسعه و سلامت بشرى در ديدگاه دينى نهفته است، پى خواهد برد.

پيشنهادها

با توجه به بررسيهاى انجام شده در اين مقاله و بحث و نتيجه گيرى كه به عمل آمد، موارد زير را به منظور پايدارى محيط زيست پيشنهاد مى كنيم:

1ـ به شهادت تاريخ گذشته و معاصر، شگفت انگيزترين رفتارهاى اجتماعى (چه در جهت رشد و چه در جهت ارتجاع) بسترى اعتقادى داشته اند. بنابراين شايسته است تا جوامعى كه عزم خود را به اعتلا و رشد و پايدارى زيست محيطى خويش عزم كرده اند از اين ويژگى به نحو شايسته استفاده كنند;

2ـ بايد بر آگاه سازى افراد بيشتر تأكيد شود; چرا كه افراد هستند كه براى تحقق پايدارى تلاش مى نمايند;

3ـ در سياست گذاريها و تعيين برنامه هاى توسعه پايدار، تعادل مد نظر قرار گيرد كه مهم ترين آن بها دادن به انسانهاست;

4ـ هيچ قانون و نگهبانى نمى تواند افراد را به احترام گذاردن به محيط زيست مجبور نمايد. احترام به محيط زيست، نتيجه آموزش تعاليم دينى در اين باره است; از اين رو، از اين نوع آموزشها، بايد بيشتر بهره گرفت;

5ـ بايد مروج كشاورزى با ملاحظات انسانى آن بود و نبايد فراموش كرد تا ايجاد يك نظام كشاورزى پايدار، راهى بس طولانى در پيش است. اميد آن كه بتوان رسالت ترويجى خود را براى ايجاد نظام كشاورزى با ابعاد انسانى و اخلاقى نشان دهيم و موجبات ترقى و تعالى بشريت را فراهم آوريم;

6ـ برخى از مسئولان در عمل، اين اهرم قدرتمند (تلاشهاى دينى) در قلمرو حفاظت محيط زيست را مورد بى مهرى قرار داده و بدان توجهى نكرده اند و تنها جسته و گريخته اقداماتى صورت داده اند كه چندان مؤثر نيست; توصيه مى شود كه مسئولان از اين اهرم قدرتمند كمال بهره را ببرند و راهكارهاى محافظتى به كمك اعتقادات اسلامى را از طريق تحقيق، تعيين كنند;

7ـ اجراى سياست توسعه پايدار و بى زيان نيازمند اعمال تغييرات اساسى در معيارها و ارزشهاست. امروزه، دليل اصلى تخريب محيط زيست، بى مسئوليتى و عدم توجه به ارزشهاى والاى انسانى است; به همين دليل بايد در ارزشها تحولى اساسى صورت گيرد;

8ـ درك مسائل محيط زيست براى اذهانى كه امور را از دريچه تنگ منافع خصوصى يا سوداگرى صرف مى نگرند، آسان نيست. به همين دليل آموزش عمومى مردم در زمينه محيط زيست، بايد در دستور كار رسانه هاى گروهى و مراكز تبليغى قرار گيرد تا از اين طريق، نگرش آنها را نسبت به طبيعت اصلاح كرد و رفتار آنان را با طبيعت متعادل ساخت;

9ـ كشورهايى كه خود را اسلامى مى دانند بايد طبق اصول و معيارهاى ذكر شده در اين مقاله عمل كنند; بايد انديشه افزون طلبى و سودجويى افراطى را كه موجب ناديده انگاشتن تعادل محيط زيست است، كنار بگذارند;

10ـ شرايط كنونى ايجاب مى نمايد تا در تمامى بخشهاى علمى، فرهنگى، اقتصادى و سياسى، اقدامات فورى صورت گيرد. اين شرايط، توجه بيشترى از جانب تك تك افراد را مى طلبد، همه ما در برابر يك دشمن مشترك (اقدامات برهم زننده و مخل تعادل محيط زيست و نابودى ميراث متعلق به نسلهاى آينده) مسئوليت مشترك داريم و براى اجراى اين مسئوليت، بايد بسيج شويم;

11ـ اگر بخواهيم از يك فاجعه بشرى در آينده جلوگيرى كنيم و زمين كه تنها مأمن ماست از بين نرود، بايد در تعهدات و مسئوليتهاى خود نسبت به زمين و حيات موجود در آن، به طور عميق تجديد نظر نماييم;

12ـ آلودگى و نابودى محيط زيست مثل آتش است كه هيزم تر و خشك را مى سوزاند. تمامى ساكنان كره زمين بايد براى پايدارى محيط زيست مشاركت كنند. كشورهاى اسلامى بايد سعى كنند به كشورهاى غربى فشار آورند تا بيش از همه مسائل جهانى حفظ محيط زيست را رعايت كنند و به علاوه سهم مالى بيشترى را براى بازسازى و پاكسازى محيط زيست بپردازند;

13ـ براى رسيدن به پايدارى، همكارى عميق بين رهبران دينى و دانشمندان محيط زيست، اقتصاددانان، كارشناسان آموزشى و سياستگذاران توصيه مى شود.

پى نوشت :

[1]- توسعه پايدار كشاورزى، مجموعه مقالات توسعه پايدار كشاورزى، باسم پورسعيد و كوروش روستا، دانشگاه آزاد ورامين، 1381، ص 69.

[2]- توسعه پايدار، جامعه روستايى ايران و آبخيزدارى، غلامرضا نوروزى، مجله جنگل و مرتع، 1377، شماره 38 ـ 39، ص 24 و 25.

[3]- مجموعه مقالات اسلام و محيط زيست، منصور شاهولى و باسم كاورى زاده، انتشارات سازمان محيط زيست، 1378، ص 102.

[4]- shavli, 1994. p 35.

[5]- ارزش معنوى اسلام بستر مناسبى براى حفاظت محيط زيست جهان است، منصور شاهولى، همشهرى، شماره 1703، سال ششم.

[6]- مجموعه مقالات اسلام و محيط زيست ، منصور شاهولى و باسم كاورى زاده، سازمان محيط زيست، 1378، ص 104.

[7]- روش شناخت قرآن در انديشه نوين اسلامى، حامد حسينى، فصلنامه پژوهشى قرآن، شماره 1، 1377، ص 69 ـ 70.

[8]- توسعه پايدار كشاورزى، باسم پورسعيد و كوروش روستا، دانشگاه آزاد ورامين، 1381، ص 69.

[9]- درآمدى بر ضرورت توسعه پايدار كشاورزى و روستايى در ايران، هادى عراقى حسينى، فصلنامه اقتصاد كشاورزى و توسعه، شماره 2.

[10]- توسعه پايدار، جامعه روستايى ايران و آبخيزدارى، غلامرضا نوروزى، مجله جنگل و مرتع، شماره 38 ـ 39، ص 24 ـ 25.

[11]- كشاورزى پايدار رهيافتى در توسعه كشاورزى و رسالتى براى ترويج در ايران، سيروس سلمانزاده، مجموعه مقالات ششمين سمينار علمى ترويج كشاورزى، مشهد، دانشگاه فردوسى، ص 37.

[12]- محيط زيست در اسلام، محمد اصغر فاضل، دانشگاه تهران، دانشكده منابع طبيعى، (پايان نامه كارشناسى ارشد).

[13]- همان.

[14]- تفسير نمونه، ناصر مكارم شيرازى و همكاران، انتشارات دارالمكتب الاسلاميه، 1369.

[15]- تفسير الميزان، محمدحسين طباطبايى، دفتر انتشارات اسلامى، جلد دوم، ص 98.

[16]- گزيده هايى در زمينه بهرهورى، مهرداد پورشمس، نشريات سازمان بهرهورى ملى ايران، 1374، شماره 45، ص 40.

[17]- محيط زيست و جامع نگرى، مصطفى ميرسليم، فصلنامه علمى محيط زيست، انتشارات سازمان محيط زيست، دوره چهارم، شماره 2، ص 12.

[18]- روش شناخت قرآن در انديشه نوين اسلامى، حامد حسينى، فصلنامه پژوهشى قرآن، شماره 1، ص 69 ـ 70.

[19]- سير تحول نظريه هاى حفاظت خاك و رويكرد آنها در قرن بيست و يكم، منصور شاهولى، مجموعه مقالات اولين سمينار علمى ـ كاربردى، و ترويج ماهيگيرى، معاونت صيد و صنايع وزارت جهاد سازندگى، 1378، ص 47 ـ 50.

[20]- راهكارهايى براى دستيابى به اخلاق زيست محيطى، عمران حيدرى، همشهرى، سال هفتم، شماره 1864، ص 7.

[21]- خدا و نظام آفرينش، جعفر سبحانى، انتشارات قائم، 1353.

[22]- روش شناخت قرآن در انديشه نوين اسلامى، حامد حسينى، فصلنامه پژوهشى قرآن، شماره 1، ص 69 ـ 70.

[23]- راهكارهايى براى دستيابى به اخلاق زيست محيطى، عمران حيدرى، همشهرى، سال هفتم، شماره 1864، ص 7.

[24]- راهكارهايى براى دستيابى به اخلاق زيست محيطى، عمران حيدرى، همشهرى، سال هفتم، شماره 1864، ص 7.

[25]- عوامل مؤثر بر مشاركت دامداران در طرح احياى مراتع، كاوه شهيدى زندى، پايان نامه كارشناسى ارشد، دانشگاه تربيت مدرس تهران، 1373، ص 196.

[26]- سلامت انسان، اكولوژى، حسين زيدى اقتدار، نشريه كيهان انديشه، شماره 26، ص 57.

[27]- سير تحول نظريه هاى حفاظت خاك و رويكرد آنها در قرن بيست و يكم، منصور شاهولى، مجموعه مقالات اولين سمينار علمى ـ كاربردى، و ترويج ماهيگيرى، معاونت صيد و صنايع وزارت جهاد سازندگى، 1378، ص 3.